

امپریالیسم و ارتجاع، دو روی یک سکه

عراق نبوده و نیست؛ امپریالیسم آمریکا و انگلستان در چارچوب برقراری نظم نوین جهانی، نظمی به ظاهر نو را به سود تحکیم و تثبیت منافع آزمندانه خود بر منطقه و کشورهای آن، با توجه به ویژگی هر کشوری، تدارک دیده و در حال عملی ساختن آن هستند. افغانستان و عراق، پله های نخستین در راهبرد سرمایه داری عصر جهانی شدن به شمار می آیند. از این رو تکیه بر این حقیقت، که ایران به عنوان مهمترین کشور منطقه با چالش های بسیار بزرگ روبه روست، به هیچ رو سخنی گزاف نیست.

حضور نظامی امپریالیسم در عراق، افغانستان و حوزه خلیج فارس، یعنی در مجاورت مرزهای میهن ما، و مجموعه دگرگونی هایی، که هم اینک آغاز گردیده، رخ دادها و مسایل داخلی ایران را به شدت زیر تاثیر خود گرفته است. بازتاب این تاثیرات در جامعه، در کلیه عرصه ها به طور جدی و آشکار قابل مشاهده است؛ به بیان روشن، سیر حوادث در منطقه با شتابی فوق العاده تحولات داخلی را سمت و سو داده، مَهر و نشان خود را بر تمامی روندها و در نتیجه موضع گیری نیروهای سیاسی نماینده طبقات و قشرهای گوناگون باقی می گذارد!

بدون کمترین تردیدی، موج تحولاتی که امروزه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس را در بر گرفته، محدود به

ادامه در صفحات ۴



شماره ۶۶۲، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۲۰ خرداد ۱۳۸۲

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره یورش به حزب مردم فلسطین در صفحه ۳
سینار بین المللی احزاب کارگری و کمونیستی بلژیک در صفحه ۳
سیاست های بانک مرکزی: حقایقی که وارنه جا داده می شود در صفحه ۵
«نه» پر طین زحمتکشان در صفحه ۸

یورش مزدوران ولی فقیه و تحولات در صفوف اصلاح طلبان حکومتی

شعار دادند. «نماینده سازشکار ننگت باد ننگت باد»، «مزدور آمریکایی استعفا استعفا» و «مرگ بر کیانوش آمریکایی» از جمله این شعارها بوده است. در رشت نیز عده بی به دفتر «حسین رمضانپور نرگسی» نماینده این شهر و از امضاکنندگان نامه حمله کردند و آن را به هم ریختند. روزنامه «یاس نو» نیز روز شنبه خبر داده بود که عده ای ناشناس روز پنجشنبه دفتر «میرطاهر موسوی» نماینده کرج و از امضاکنندگان نامه را به آتش کشیدند. در مشهد نیز «حزب الله» این شهر با انتشار بیانیه بی که در نماز جمعه شهر پخش شد ضمن متهم کردن اصلاح طلبان به مرعوب شدن اعلام کرد که: «نمایندگان استان خراسان و به ویژه نمایندگان مشهد در شرایط حساس کنونی با جریان براندازی خاموش همنوا شده اند، این نمایندگان با تهیه و امضاء نامه های ساختارشکن، مرعوب هیاهوی دشمن گردیده و زمینه را برای حضور و نفوذ استکبار و شیطان بزرگ آمریکا مهیا می نمایند.»

در پی سخنان تحریک آمیز و شدید الحن سید علی خامنه ای، بر ضد اصلاح طلبان و روند اصلاحات، که پاسخ رسمی ارتجاع به هشدار ۱۳۵ نماینده مجلس در باره وخامت اوضاع کشور بود، در روزهای اخیر، موج گسترده یی از حملات تبلیغاتی و همچنین تهاجم چاقو کشان و گزمگان ولی فقیه رژیم، بر ضد اصلاح طلبان آغاز شد. مصباح یزدی سخنگوی ارتجاع و تاریک اندیشان حاکم، در نماز جمعه تهران شماری از نمایندگان مجلس و دولت را به دریافت ۵۰۰ میلیون دلار پول از سازمان سیا متهم کرد و متعاقب همین فشار گسترده یی بر ضد امضاء کنندگان نامه ۱۳۵ نماینده مجلس به خامنه ای آغاز شد. مصباح یزدی پیش از این نیز در سخنانی مدعی شده بود مقامات آمریکایی یک چمدان پول به روزنامه نگاران اصلاح طلب داده اند. بر اساس گزارش های مختلف در شهرهای مختلف کشور کارزاز سازمان یافته یی بر ضد امضاء کنندگان نامه به خامنه ای، به منظور مرعوب کردن و زیر فشار گرفتن آنها آغاز شد. به گزارش خبرنگار پایگاه اینترنتی رویداد شماری از «انصار ولی فقیه» که که جمعیت آنها به ۳۰ نفر نمی رسید، پس از نماز جمعه اهواز با قرائت بخشهایی از نامه نمایندگان به خامنه ای، بر ضد «محمد کیانوش راد» و «حمید کهرام» نمایندگان مردم اهواز به عنوان دو تن از امضاکنندگان این نامه

ادامه در صفحه ۶

«مشکل اصلی کشور»

نشست «شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت (دانشگاه علامه طباطبایی - خرداد ۸۲) با صدور قطعنامه یی به کار خود پایان داد. در این قطعنامه از جمله می خوانیم: «قطعنامه پایانی نشست شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت (دانشگاه علامه طباطبایی خرداد ۸۲) نشست شورای عمومی دفتر تحکیم در حالی در دانشگاه علامه طباطبایی تشکیل شد که فشار بر جریان دانشجویی بیش از همیشه شدت گرفته است، صدور احکام قضایی و محکومیت اعضای انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، یاسوج، تربیت معلم سبزوار، یزد و... حمله به جلسات انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان و همدان، به گروگان گرفتن ریاست محترم دانشگاه علامه طباطبایی، برخورد شبه قانونی هیات نظارت با انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه ارومیه و همدان، همه و

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه مشکل اصلی کشور ...

همه حکایت از تنگتر شدن دایره فعالیت های مستقل دانشجویی دارد. «بیانیه دفتر تحکیم وحدت در ارزیابی مشکلات پیش روی روند اصلاحات می افزاید: «اعضای انجمنهای اسلامی معتقدند عملکرد مجموعه نظام در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نواقص و کاستی های بسیار دارد و از مطالبات و خواسته های ملت فاصله زیادی گرفته است و به ویژه در مورد عملکرد سیاسی مجموعه نظام انتقادات جدی دارند و معتقدند مجموعه نظام زمینه ظرفیت لازم برای گسترش مردم سالاری و دموکراتیزه شدن ساخت قدرت از خود نشان نداده و حق و وظیفه خود میدانند با نقد مستمر و مداوم سیاست های حاکمیت زمینه تغییرات اساسی در این رویکرد ها و کاهش زاویه این سیاست ها با مطالبات و منافع ملی را فراهم آورند اما متأسفانه در سالیان اخیرنه تنها توجهی به این نقد و انتقادات دلسوزانه صورت نگرفته است که روز به روز فشار به انجمنهای اسلامی فزونی گرفته است. حمله به کوی دانشگاه و دستگیری فعالان دانشجویی، برهم زدن تجمعات و برنامه های دانشگاهی و مهمتر از همه متصلب شدن سیاستها و مقررات دانشگاهی و مخالفت هیات های نظارت بر تشکل ها با فعالیت های انجمنهای اسلامی دانشجویان و کار شکنی در برگزاری نشستهای دفتر تحکیم وحدت همگی نشانگر مخالفت روز افزون کانونهای قدرت با حضور و فعالیت انجمنهای اسلامی دانشجویان می باشد...» بیانیه با اشاره به خطرات دخالت خارجی هشدار می دهد که: «به نظر ما مشکل اصلی کشور در حال حاضر مهمتر از تهدیدات خارجی و قشون کشی آمریکا به منطقه قدرت طلبی بخش هایی از حاکمیت و کشاندن نظام به سمت و سوی اقتدارگرایی و جدایی از مردم می باشد. انتخابات شورای شهرها در کلان شهرها هشدار بسیار جدی مردم به مجموعه حاکمیت بود و در صورتی که تغییر جدی در عملکردهای نظام صورت نگیرد و شکاف میان حاکمیت و مردم ترمیم نشود رویگردانی مردم از نظام و سرکوب نیروهای اپوزیسیون ملی و وطن دوست همراه با تضعیف جریان های اجتماعی مانند جنبش دانشجویی و جنبش های صنفی معلمین و کارگران زمینه را برای دخالت قدرت های خارجی در امور داخلی کشورمان فراهم می آورد...» بیانیه دفتر تحکیم وحدت در انتها خواست های جنبش دانشجویی را چنین جمع بندی می کند: «لذا باتوجه به این مطالب و در نظر گرفتن شرایط خطیر موجود پیشنهاد می نمایم گامهای اساسی ذیل برای برقراری آشتی ملی و ترمیم اقتدار کشور تا دیر نشده برداشته شود: ۱. زمینه تغییر در قانون اساسی و سایر قوانین کشور برای نزدیکتر شدن نظام به معیارهای مردمسالارانه و حقوق بشر فراهم گردد. ۲. تمامی موانع موجود بر سر اعمال نظرات مردم و حفظ جمهوریت نظام بویژه مقاومت های بدون مینا و تمامیت خواهانه شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام در مقابل تصمیم های مجلس به عنوان خانه ملت برداشته شود و به عنوان اولین گام لاقابل لوایح دوگانه ارسالی از سوی ریست جمهوری پذیرفته گردد. ۳. روند سرکوب گرایانه فعلی قوه قضاییه در مقابل اپوزیسیون درونی، روزنامه نگاران، دانشجویان و روشنفکران متوقف گردد و تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی بدون قید و شرط آزاد شوند. ۴. نگرش نسبت به اقلیتهای قومی و مذهبی اصلاح شود و تمام ایرانیان از حقوق فردی و جمعی یکسان بهره مند گردند و به طور مشخص روند تبعیض آمیز موجود در مدیریت کشور نسبت به اقلیتهای قومی و مذهبی پایان پذیرد. ۵. حق نظارت مردم بر تمامی نهادها و مسئولین بویژه مقام محترم رهبری به عنوان مقامی که از اختیارات بسیار زیادی در قانون اساسی برخوردار است به رسمیت شناخته شود و مکانیسم های اعمال نظارت ملی بر تمامی مسئولین و ارکان کشور ایجاد گردد. پذیرش مطالبات ملی که بخشی از آن در فوق آمد از سوی مقام رهبری می تواند سبب ساز عبور مسالمت آمیز و کم هزینه کشور از شرایط خطیر موجود و بر

خورد مقتدرانه با زیاده طلبی های آمریکا در منطقه و مهمتر از آن زمینه ساز تحقق آرمانهای آزادی خواهانه و استقلال طلبانه مردم ایران در جنبش های سده اخیر به ویژه انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن صنعت نفت، انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ و خیزش ملی دوم خرداد ۷۶ باشد... در این شرایط حساس و پیچیده و با توجه به تهدیدهایی که ذکر شد شکل گیری همگرایی نیروهای ملی و آزادی خواه داخل و خارج کشور که قائل به حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و گسترش دموکراسی و حقوق بشری باشند در مقابل اقتدار گرایان داخلی و سلطه طلبان خارجی یک ضرورت ملی است. آقای خاتمی به عنوان فردی که در دو انتخابات موفق شده است در جایگاه اعتماد عمومی قرار گیرد و هنوز هم از جایگاه و زمینه قابل توجهی در میان افکار عمومی برخوردار است می تواند نقش مهمی در این راستا ایفا نماید به نظر ما زمان انتخاب برای همه مسئولین به ویژه آقای خاتمی فرا رسیده است. ما ضمن حمایت قاطع از موضع اخیر ایشان در مورد لوایح دوگانه و مقاومت در مقابل عملکرد اقتدار طلبانه اعضای شورای نگهبان از آقای خاتمی می خواهیم که به وظیفه تاریخی خود در قبال اعتماد مردم عمل نمایند و گرنه سرنوشت انتخابات شوراها شهر در انتظار تمامی انتخاباتهای آتی خواهد بود و مهم تر از آن تمامی کنشهای اصلاح طلبانه درونی با بی تفاوتی مردم روبرو خواهد شد و خلا ناشی از عملکرد ضعیف اصلاح طلبان و نیروهای آزادی خواه ملی میتواند بزرگترین ضربه را به مردمسالاری، منافع ملی و تمامیت ارضی کشور وارد نماید...»

قطعه نامه نشست مرکزی شورای ضمن ارزیابی واقع بینانه از شرایط دشوار کشور به درستی بر ضرورت اتحاد و نزدیکی همه نیروهای دموکرات و آزادی خواه تأکید می ورزد. حرکت آگاهانه و سازمان یافته در این راستا و فراهم آوردن زمینه تشکیل جبهه نوینی از همه نیروهای مخالف استبداد و مدافع آزادی و حقوق مردم می توان گام نخست در تشدید و گسترش مبارزه بر ضد نیروهای ارتجاعی حاکم بر میهن ما باشد.

ادامه سیاست های بانک مرکزی ...

نیست که، سر رشته این قاچاق کلان و سازمان یافته در دست شرکتهای وابسته به سپاه پاسداران، کمیته امداد خمینی و آقازاده های وابسته به روحانیون بلند پایه حکومتی می باشد، که از جمله از راه ۸۰ اسکله غیر قانونی اقدام به واردات قاچاق می کنند. گزارش های متعددی حاکی از آنست که، در سال های اخیر سپاه پاسداران و بنیاد مستضعفان و کمیته امداد خمینی در امر قاچاق نفت و بنزین به پاکستان و ترکیه نقش داشته و دارند. همین نهادها مسئول ورود چای، برنج، پولاد، آهن، روغن، شکر و دام بصورت قاچاق هستند. دبیر ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز وزارت کشور با توصیف وضعیت فاجعه بار در این زمینه با صراحت گفته است که، قاچاق کالا همه چیز ما را از بین می برد. در اینجا باید تأکید کنیم، پدیده قاچاق و رشد و گسترش آن به طور اساسی در پیوند با سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه قرار دارد و این سمت گیری است که زمینه های رواج آن را فراهم می سازد. پرسش اینست که، با چنین اوضاع ناگواری، چگونه می توان از رشد اقتصادی و ثبات اقتصادی آن چنانکه رئیس کل بانک مرکزی ادعای آن را دارد، سخن گفت؟!

سیاست های بانک مرکزی جمهوری اسلامی جدا از برنامه کلی اصلاح ساختار اقتصادی که، از سوی صندوق بین المللی پول ابلاغ و دیکت شده است، نیست و تبلیغات پُر سرو صدا پیرامون آن چیزی جز وارونه جلوه دادن حقایق نمی تواند باشد!

ما حمله اسرائیل به دفاتر حزب مردم فلسطین را محکوم می کنیم!

بر طبق بیانیه مطبوعاتی منتشره از طرف حزب کمونیست اردن، و اطلاعات تأیید شده از سوی نیروهای مترقی منطقه، در نیمه شب ۲۰ اردیبهشت ماه، نیروهای نظامی و امنیتی اسرائیلی دفتر مرکزی حزب مردم فلسطین در رام الله را مورد تهاجم قرار دادند. در این حمله کامپیوترها، اسناد و مدارک حزبی مربوط به ارگان های حزبی و همچنین اسناد دفتر کار رفیق هنا امیره، عضو رهبری حزب و نماینده آن در هیئت اجرائیه سازمان آزادی بخش فلسطین، و دیگر رفقای مسئول حزب برادر مصادره شده و به سرقت رفتند.

این اقدام محکوم نیروهای اشغالگر متعاقب حملات مشابه به دفاتر حزب مردم فلسطین در شهرهای نابلس، توکارم، سالفیت، قلقلیه و جنین صورت می گیرد و هدف آن فلج کردن یکی از عمده ترین نیروهای مردمی واقع بین، طرفدار واقعی صلح و ضد خشونت و تروریسم است. در این حملات تعدادی از کادرهای فعال حزب برادر بازداشت شده اند.

این تصادفی نیست که نیروهای امنیتی اسرائیل در چنین لحظات حساسی موج سرکوب خود را متوجه نیرویی کرده اند که به موازات مبارزات قهرمانانه برضد تروریسم نیروهای اشغالگر اسرائیلی مخالفت اصولی خود با تروریسم کور نیروهای افراطی علناً اعلام کرده است. نیروهای افراطی اسرائیل امیدوارند که با خاموش کردن حزب مردم فلسطین در شرایط حساس کنونی خلق مبارز فلسطین را از یکی از عمده ترین نیروهای سیاسی که توان بسیج و سازمان دهی مبارزه یی اصیل و اصولی برضد امپریالیسم و دولت دست راستی اسرائیل و بطور همزمان افشاگری موثر بر ضد طیف نیروهای افراطی و سازشکار فلسطینی را دارد محروم کنند. حمله آگاهانه و هدفمند نیروهای اسرائیلی به دفاتر حزب مردم فلسطین همچنین افشاگر عیار واقعی دولت اسرائیل در طرفداری از راه های صلح آمیز مساله فلسطین است.

حزب توده ایران ضمن ابراز نگرانی عمیق خود از عواقب عملکرد نیروهای اسرائیلی، شدیداً سیاست های سرکوبگرانه دولت اسرائیل را محکوم کرده و حمایت کامل خود از حزب مردم فلسطین و مبارزات برحق و اصولی آن در راستای احقاق حقوق مردم فلسطین اعلام می کند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران - اردیبهشت ماه ۱۳۸۲

شرکت نماینده حزب توده ایران در سمینار بین المللی

احزاب و سازمان های چپ و کمونیستی

۱۱ تا ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۸۲، بروکسل - بلژیک

دوازدهمین سمینار بین المللی کمونیستی، طی سه روز از تاریخ ۱۲ اردیبهشت ماه، در بروکسل، پایتخت بلژیک برگزار شد. در این سمینار که هر ساله در این کشور به میزبانی «حزب کار بلژیک» برگزار می شود، ۵۱ نماینده از احزاب و سازمان های چپ و کمونیست از کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند. ده ها حزب و سازمان دیگر نیز همبستگی خود را با این اجلاس، با ارسال پیام اعلام کرده بودند. شرکت هیئت های نمایندگی حزب کمونیست کوبا و حزب کار جمهوری دموکراتیک کره و شورای ملی فلسطین جلوه خاصی به سمینار داده بود. به دعوت رسمی رهبری «حزب کار بلژیک» امسال هیئت نمایندگی حزب توده ایران در این سمینار شرکت کرد.

موضوع محوری بحث ها، گزارش ها و گفتگو های سمینار پیرامون وظایف حزب مارکسیست - لنینیست و جبهه ضد امپریالیستی در مقابل جنگ بود که در بخش اصلی دنبال می شد:

الف: ارزیابی سیاست جنگی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر
ب: نقش استالین و حزب کمونیست شوروی در جنگ ضد فاشیستی - درس های آن برای امروز

پ: وظایف سیاسی و تاکتیکی کمونیست ها در برابر جنگ
در آغاز جلسه رفیق لودو مارتنز، رهبر «حزب کار بلژیک»، گزارشی در باره سیاست جنگی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وظایف جنبش انقلابی جهانی در راس آن احزاب انقلابی و کمونیست به سمینار ارائه داد. سپس اجلاس، براساس برنامه از پیش تنظیم شده کار خود را دنبال کرد.

در طی سه روز متوالی، نمایندگان احزاب و سازمان های کمونیستی و انقلابی دیدگاه ها و تحلیل های خود را درباره اوضاع بین المللی و سیاست امپریالیسم جهانی، به ویژه زیر لوای دولت محافظه کاران افراطی و طرفداران سیاست نئولیبرالی در ایالات متحده آمریکا بیان کردند.

در اولین روز اجلاس و پس از مراسم افتتاحیه، گزارش جامعی از سوی نماینده حزب توده ایران در باره آمیختگی ماهیت امپریالیسم با جنگ، اوضاع بین المللی پس از فروپاشی شوروی، اهداف و استراتژی امپریالیسم جهانی در شعله ور کردن جنگ در منطقه خلیج فارس و وظایف نیروهای مترقی و پیشرو و کمونیست در شرایط کنونی ارائه شد. تحلیل هیئت نمایندگی حزب توده ایران مورد استقبال اجلاس قرار گرفت و بخش هایی از آن در قطعنامه پیشنهادی به اجلاس گنجانده شد. نماینده سازمان فدائیان خلق (اقلیت) نیز در این سمینار شرکت داشت.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران، در طول سمینار با هیئت های نمایندگی کشورهای مختلف ملاقات و آن ها را در جریان تحولات بغرنج کشور و تحلیل های حزب قرار داد.

در آخرین روز سمینار، قطعنامه نهایی اجلاس پس از بحث و مذاقه به تصویب شرکت کنندگان رسید. سمینار بین المللی کمونیست پس از سه روز کار منظم در محیطی رفیقانه و سازنده به کار خود پایان داد.

ادامه امپریالیسم و ارتجاع دوروی ...

در پیوند با مسایل منطقه و ایران، هم اکنون در عرصه سیاسی کشور، از یک سو شاهد تحرک بی سابقه باندهای واپس گرای سلطنت طلب در هماهنگی با راهبرد امپریالیسم و انحصارات فراملی هستیم، و از دیگر سو جناح تاریک اندیش ذوب در ولایت، فعالیت تب آلودی را دست در دست رفسنجانی و گروههای وابسته به او در درون و پیرامون حاکمیت در چند جهت عمده آغاز کرده است. فعالیت این نیروها که با منافع توده های مردم میهن ما بیگانه و در ستیز هستند، نمودار روشنی از آن خطرات فوق العاده بزرگی است که آینده و سرنوشت ایران را تهدید می کند.

در چنین اوضاعی، اقدامات جناح ذوب در ولایت بر ضد جنبش مردمی، نظیر مخالفت با هرگونه اقدام حتی نیم بند اصلاحی، که از سوی مجلس ارایه می شود، مانند مخالفت و کارشکنی آشکار و پنهان با لویح دوگانه خاتمی، مانع تراشی و مخالفت جدی با لایحه منع تبعیض بر ضد زنان و جزاینها و یا موضع گیری خصمانه و تهدیدآمیز علیرزاده رئیس دادگستری تهران که اعلام داشته است: دادگستری گزارش تحقیق و تفحص صدا و سیما را رسیدگی می کند و اگر عمدی در تهیه گزارش صورت گرفته باشد، برخورد می کند ... و یا اینکه اگر استعفای نمایندگان با نطق همراه باشد که محل امنیت ملی است، برخورد خواهد کرد و تهدید به دستگیری و زندان نمایندگان مجلس، همگی اقداماتی است، که نه تنها جنبش مردمی، بلکه منافع ملی ایران را با خطر رو به رو می سازد، در این خصوص، در هفته های گذشته پیگرد و فشار بر طیف نیروهای ملی - مذهبی وارد دور تازه ای شد.

شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب با صدور احکامی کاملاً ظالمانه، ۱۴ تن از چهره های ملی - مذهبی را به زندان هایی از ۴ تا ۱۱ سال محکوم ساخت. این احکام که فاقد هرگونه ارزش قانونی - قضایی هستند و جنبه سیاسی آنها به خوبی روشن است، با هدف ایجاد فضای اختناق صورت پذیرفته است. محکومیت شخصیتهایی چون دکتر پیمان، عزت الله سبحانی، رئیس طوسی و رضا علیجانی و دیگران به زندان و محرومیت طولانی از حقوق اجتماعی هدفی مشخص را دنبال می کند و ادامه سیاست پیگیری و فشار و سرکوب مخالفان و دگراندیشان به شمار می آید. به موازات این گونه اقدامات، برای فریب افکار همگانی و صرفاً به عنوان مانور سیاسی، نمایندگان و سخنگویان ارتجاع از وفاق و اتحاد دم می زنند. به طور مثال حداد عادل، رئیس فراکسیون ارتجاع در مجلس ششم در ارتباط با گزارش مجلس که گوشه هایی از دزدی و فساد مالی صدا و سیما رژیم ولایت فقیه را برملا می سازد گفته است: صدا و سیما نمایندگان مجلس و قوه قضاییه در عین حال که باید به وظایف قانونی خود عمل کنند لازم است از اقدامات تنش زا در شرایط حساس فعلی بپرهیزند ... ما نباید کاری کنیم که مردم تصور کنند همه مدیران دستگاههای مختلف در حال تخلف و گرفتار مشکلات ناشی از فساد مالی و اقتصادی هستند ... و یا محمد هاشمی، برادر رفسنجانی که دبیر سیاسی کارگزاران نامیده می شود طی مصاحبه یی با حمله شدید به جبهه دوم خرداد، اعلام داشت: ... ما الان برای انتخابات مجلس آماده می شویم. ضمناً انتشار روزنامه و راه اندازی یک سایت اینترنتی هم در دستور

کار ماست ... ما تازه آمده ایم. ما آمده ایم که بمانیم ... به این حرکات باید مباحثات طلبی اصلاح طلبان حکومتی را افزود که کماکان اعلام می کنند، می توان با شورای نگهبان و قوه قضاییه کنار آمد. سخنان کروی در مجلس مبنی بر اینکه: سعی مجلس دستیابی به تفاهم با شورای نگهبان و حل مسایل و همکاری با این نهاد است ... همه مسئولین (همه جناح ها) می گویند تا حد امکان این مساله (اختلاف بر سر لویح دوگانه خاتمی) را در گفتگو با شاه، انکسار، نکسار، حاکم، معاند، دیگ، ندا، دا!

در گرماگرم این مسایل، شاهد تحرک نیروهای واپس گرای سلطنت طلب با تکیه بر حمایت های آشکار آمریکا هستیم. چندی پیش سناتور جمهوری خواه ایالت کانزاس، سام براون طرحی را به سنارایه کرد که طبق آن آمریکا باید حمایت خود را از هواداران تغییرات در راستای منافع امپریالیسم در ایران به نحوی بارز گسترش دهد. در این طرح، کمکهای مالی به رادیو و تلویزیون های خارج کشور به ویژه مستقر در آمریکا، در نظر گرفته شده است. همچنین جهت به اصطلاح اشاعه دموکراسی در ایران بودجه معینی از سوی کاخ سفید برای ترجمه و نشر کتاب، تولید برنامه های ویدئویی، انتشار روزنامه و مجله و نیز برنامه های تلویزیونی اختصاص باید بیابد.

در بخشی از این طرح، تشکیل بنیاد دموکراسی ایران که گردانندگان آن عمدتاً آمریکایی های ایرانی تبار خواهند بود و وظیفه شان ایجاد ایستگاههای رادیو و تلویزیونی و تقویت تلویزیون های موجود و رادیو فردا و امثال آنها خواهد بود، قید گردیده است.

همزمان با انتشار طرح سناتور آمریکایی، روزنامه تایمز مالی در گزارشی پیرامون ایران به مقایسه رضا پهلوی و احمد چلبی پرداخت و تاکید کرد، مقامات پنتاگون و کاخ سفید این دو شخص را واجد شرایط لازم، به منظور رهبری موقت در ایران و عراق می دانند. به گزارش همین روزنامه جناحی در وزارت دفاع آمریکا به رهبری داگلاس فیت معاون رامسفلد، هوادار حمایت صریح از رضا پهلوی به عنوان چهره یی کاملاً وفادار به کاخ سفید هستند. در این رابطه رضا پهلوی و گردانندگان باندهای سلطنت طلب برای نشان دادن درجه وفاداری به پنتاگون و کاخ سفید، طرحی را به وزارت دفاع آمریکا ارایه کرده اند که در آن پیشنهاد گردیده، ایالات متحده کلیه شرکتهای غیر آمریکایی (به ویژه شرکت های متعلق به کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نیز روسیه، چین و هند) را که با ایران روابط اقتصادی - بازرگانی برقرار کرده اند، در لیست سیاه قرار داده و به آنها در عراق (توجه کنید در عراق) قراردادی واگذار نشود! این طرح های آمریکا در شرایطی اعلام می گردد که نمایندگان رسمی رژیم ولایت فقیه و آمریکا در ژنو به مذاکره مشغول بودند.

سلطنت طلبان، با توجه به اوضاعی که در جهان و منطقه پدید آمده، می کوشند حداکثر استفاده را از فرصت های موجود بنمایند. اوضاع داخلی کشور، سرکوب همه نیروهای مترقی - انقلابی و آزادیخواه به وسیله رژیم ضد ملی ولایت فقیه، سیاست های جناح ذوب در ولایت و تسلیم طلبی اصلاح طلبان حکومتی و پراکندگی نیروهای مردمی معتقد به استقلال آزادی و عدالت اجتماعی، بیشترین امکانات را به نیروهای سلطنت طلب که در رویای بازگشت وضع گذشته یعنی انقیاد مردم ایران هستند، می دهد. بعلاوه باید تاکید نماییم، ۲۴ سال حکومت سیاه توام با سرکوب خونین و فقر و نابودی بنیان های مترقی فرهنگی - سیاسی و اجتماعی جامعه و فروریزی ارزش های اخلاقی و در یک کلام فقر فرهنگی به موازات فقر اقتصادی که رژیم ولایت فقیه به ایران تحمیل کرده است، زمینه های تحرک بی سابقه نیروهای سرسپرده به امپریالیسم در دوران کنونی است. حضور امپریالیسم به هر شکل و تحت هر عنوان در مغایرت کامل با مردم سالاری و تامین و تضمین حقوق دموکراتیک فردی و اجتماعی شهروندان و برقراری عدالت اجتماعی قرار دارد.

حزب ما در اوضاع دشوار و بغرنج کنونی، بار دیگر بر اهمیت و ضرورت انکار ناپذیر تشکیل جبهه یی گسترده از همه نیروهای معتقد به استقلال آزادی و عدالت اجتماعی با هر دیدگاه و تعلق سیاسی و سازمانی به منظور مبارزه با دیکتاتوری و طرد ولایت فقیه تاکید می کند. یک جبهه واحد از همه نیروهای مردمی صرف نظر از اختلافات موجود که اکثراً پایه واقعی و عینی ندارند، تنها پاسخ قاطع به سود منافع ملی و حقوق مردم به ارتجاع و امپریالیسم است. ما ضمن اینکه خواستار برقراری روابط عادی در چارچوب عرف بین المللی با همه کشورهای از جمله ایالات متحده آمریکا هستیم، هرگونه مداخله در امور داخلی میهن خود را قاطعانه محکوم کرده، و بر ضد آن مبارزه کرده و خواهیم کرد. سرنوشت ایران را فقط و فقط مردم ایران باید تعیین کنند.

سیاست های بانک مرکزی: حقایق که

وارونه جلوه داده می شود!

هزینه های مصرفی بخش خصوصی ایران در سال ۱۳۸۱ و ابتدای سال ۸۲ خورشیدی حدود ۲/۵ درصد رشد داشته است. واقعیت اینست که، از ابتدای دهه ۷۰ خورشیدی یعنی هنگامی که نسخه های دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول توسط دولت رفسنجانی در ایران به مورد اجرا گذاشته شد؛ سیاست های بودجه بی، پولی، بانکی و ارزی، در راستای تقویت بخش غیر مولد حرکت کرده است و این امر به تشدید فعالیتهای دلالی به بهای تضعیف و تخریب بنیه تولیدی - صنعتی صورت پذیرفته است! لذا با در نظر داشتن سهم اندک بخش های تولیدی و بالا بودن حجم فعالیتهای خدماتی (بوژه دلالی و واسطه گری که، بنیادهای رنگارنگ و نهادهای ضد مردمی چون سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات در آن نقش اساسی دارند) و اتکای صرف به تولید و فروش نفت، نمی توان از رشد سالم اقتصادی و رشد تولید ناخالص داخلی، آن گونه که، ابراهیم شیبانی رئیس کل بانک مرکزی عنوان می سازد، داد سخن داد!

سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه از آن جمله سیاست های تنظیم شده از سوی بانک مرکزی بر الگویی استوار است که، به طور جدی و با شیوه هایی ناسالم و غیر حقوقی و فراقانونی به افزایش هزینه های مصرفی بخش خصوصی و دولتی می انجامد و این امر ماهیت در آمد ملی و ترکیب هزینه های ملی را سخت تحت تاثیر قرار داده، به ژرفش شکاف طبقاتی و توزیع ناعادلانه در آمد ملی و تقویت لایه هایی از جامعه می انجامد که به طور عمده در امور دلالی فعال هستند. رشد قیمت کالاها و خدمات طبق آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی در سال گذشته و مقایسه آن با سطح در آمد زحمتکشان فکری و یدی و بطور کلی مجموعه مزدبگیران میهن ما، خود بهترین گواه بر این حقیقت است. بر پایه آمار رسمی، شکاف بین دستمزد کارگران، کارمندان متوسط و جز، آموزگاران، دبیران و کلیه مزدبگیران و سبد هزینه های آنان طی ۱۰ سال گذشته، بیش از ۵ برابر شده است. به دیگر سخن سطح زندگی طبقه کارگر، دیگر زحمتکشان و قشرهای میانه حال جامعه با سقوط فاحش رو به رو بوده است!

از سوی دیگر بر خلاف ادعای رئیس کل بانک مرکزی و وزیر اقتصاد رژیم، ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی چنان غرق در بحران و فساد مالی است که، چندی پیش مطبوعات داخل کشور، هشدار کارشناسان سازمان ملل درباره اقتصاد ایران را انتشار دادند. بر پایه گزارشات منتشره ۵۰ درصد اقتصاد ایران غیر شفاف و مبهم اداره می شود، در این گزارش با صراحت بی سابقه ای قید گردیده که حداقل ۴۰ درصد اقتصاد ایران زیرزمینی و آلوده به فساد و تبهکاری است و دولت با حجم ۵/۸۲ درصدی در بالاترین حد، تنها توان اعمال سلطه و نظارت به ۴۱ درصد اقتصاد ایران را دارد. برخی از مطبوعات پس از انتشار این گزارش، سیستم اقتصادی جمهوری اسلامی را آزادترین شکل اقتصاد بازار آزاد لقب دادند. لقبی درخور و شایسته. در رژیم ولایت فقیه، ده ها بنیاد انگلی و غارتگر چون زالو به مکیدن ثروت ملی مشغول هستند؛ بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان، کمیته امداد خمینی آستان قدس رضوی و جز اینها در کنار ده ها شرکت وابسته به سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات، عملاً بر حیات اقتصادی کشور سلطه بی رقیب برقرار کرده اند.

چندی پیش دبیر ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز وابسته به وزارت کشور، در جریان همایش همسویی دستگاههای اجرایی مرتبط با موضوع دام و قاچاق دام سیستان و بلوچستان یادآور شد: بیش از ۱ میلیارد دلار کالای قاچاق فقط از شیخ نشین امارات متحده وارد ایران می شود. بر کسی پوشیده

در اواخر اردیبهشت ماه سال جاری، سیزدهمین کنفرانس سالانه سیاستهای ارزی و پولی جمهوری اسلامی با سخنان ابراهیم شیبانی رئیس کل بانک مرکزی گشایش یافت. رئیس کل بانک مرکزی، به عنوان یکی از مسئولین اصلی برنامه ریزی اقتصادی و مالی رژیم ولایت فقیه در سخنان خود بر نقش کلیدی این نهاد در کنترل و نظارت پایه پولی تاکید کرده، رئوس برنامه ها و اهداف حال و آینده آن را توضیح داد. وی مهمترین وظایف پیش روی بانک مرکزی را، کنترل حساب های مالی کشور، نظارت بر اجرای قوانین و دستور العمل ها، حفظ ارزش پول و انضباط پولی و کنترل تورم کشور اعلام داشته، و با اشاره به وضعیت اقتصادی جهان پس از رخ داد یازدهم سپتامبر و ارایه تحلیلی که بر منبای گزارشات صندوق بین المللی پول تدوین شده بود، درباره سیاستهای اجرایی در امور بانکی و مالی ایران از جمله خاطر نشان ساخت: سیاست تک نرخی کردن ارز ایجاد بازار بین المللی، ادامه آزادسازی سیاستهای اقتصادی، شفاف سازی بودجه ... تصویب قوانین جدید در خصوص سرمایه گذاری خارجی، مالیات و حذف پیمان های ارزی و صدور مجوز بیمه های خصوصی از سیاستهای بانک مرکزی است.

شیبانی رشد اقتصادی در ایران را مورد تایید بانک جهانی دانست و افزود: «رشد تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۸۱، بدون احتساب درآمدهای نفت ۳/۷ درصد بود ... آمارها حاکی است کشور از یک ثبات اقتصادی نسبی برخوردار است که، امیدواریم این روند ادامه داشته باشد ...». همزمان با گزارش رئیس کل بانک مرکزی در کنفرانس سالانه سیاستهای پولی و ارزی، رسانه های همگانی اعلام داشتند که، بانک جهانی برای اعطای وام به ایران آمادگی لازم را داراست. فیلیپ لویی سریت معاون امور خاورمیانه و آفریقای بانک جهانی طی سفری به تهران ضمن دیدار با برخی از وزیران و نمایندگان مجلس و دیگر مسئولان جمهوری اسلامی، از اجرای برنامه های اصلاح ساختار اقتصادی بوژه برنامه ضربتی خصوصی سازی و تصویب قوانینی در جهت برقراری تخفیفهای مالیاتی برای شرکت های خارجی که، در ایران سرمایه گذاری می کنند، ابراز خشنودی بسیار کرد و این اقدامات را نشانه های کافی و جدی برای پرداخت وام به ایران معرفی کرد. این مقام بلند پایه بانک جهانی با صراحت یادآور گردید که؛ با اجرای برنامه های اصلاح اقتصادی در ایران، بانک جهانی اعطای تسهیلات مالی برای جمهوری اسلامی را در برنامه های خود گنجانده است که، به مرور صورت تحقق خواهد پذیرفت. همچنین، طهماسب مظاهری وزیر امور اقتصاد و دارایی طی مصاحبه ای تاکید کرد، از آغاز اجرای قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی، علاقه و انگیزه فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران خارجی برای حضور در بازارهای ایران به طور بی سابقه ای افزایش یافته است، به تصریح وی: «از مجموع ۴ میلیارد دلار طرح پیشنهادی سرمایه گذاران خارجی برای فعالیت و سرمایه گذاری در ایران حدود ۶۵۰ میلیون دلار تصویب و ابلاغ شده و ۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار در مرحله تصویب نهایی قرار دارد ... بیشتر این طرح ها برای نوسازی و توسعه واحدهای موجود و بهبود کیفیت کالاها و خدمات داخلی به منظور رقابتی کردن این کالاها با تولیدات خارجی است ...». در عین حال وزیر اقتصاد در این مصاحبه از توضیح پیرامون طرح صندوق بین المللی پول تحت عنوان بی. او. تی که امکان حضور مشارکت شرکت های خارجی که حتی در مالکیت واحدها و ذخایر زیر زمینی را شامل می گردد، شانه خالی کرد و فقط به طور فشرده به تایید این گونه طرح ها توسط رژیم ولایت فقیه بسنده کرد.

سخنان مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی، به ویژه مسئولان درجه اول امور اقتصادی و اشاره و تاکید آنان بر حمایت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول از رژیم و اهداف اقتصادی و بطور کلی سمت گیری اقتصادی - اجتماعی آن، به زعم آنان پرده استتاری است بر حقایق غیر قابل انکار جامعه امروز ایران و بحران ژرف و مزمنی که سرپای ساختار اقتصادی را در بر گرفته است. به عنوان نمونه سخنان رئیس کل بانک مرکزی که، مدعی است کشور از یک ثبات نسبی اقتصادی برخوردار است، با واقعیت های موجود و آمار انتشار یافته حتی از سوی خود بانک مرکزی مغایرت دارد. بر پایه آمارهای که در همین کنفرانس سالانه سیاست های پولی و ارزی ارایه شد،

ادامه یورش مزدوران ولی فقیه ...

پیروزی کمونیست ها در مولداوی

حزب کمونیست مولداوی در انتخابات محلی این کشور به پیروزی چشمگیری دست یافت و موقعیت خود را به عنوان حزب برتر در سراسر کشور تثبیت کرد. سازمان مرکزی انتخابات اعلام کرد که حزب کمونیست در انتخابات روز یکشنبه ۴ خرداد ماه، بیش از ۴۰ درصد آرا را به خود اختصاص داده است و در حال حاضر بزرگترین حزب این کشور است. مولداوی، کشوری با چهار میلیون نفر جمعیت، از سال ۲۰۰۱ توسط

حزب کمونیست اداره می شود. حزب کمونیست مولداوی در سال ۲۰۰۱ تحت شعار ایجاد و گسترش بخش اجتماعی و سیستم دولتی به شیوه شوروی، توانست پس از یک دهه حکومت اقتصاد بازار که مشخصه آن اختلاس های مالی و چپاول ثروت های کشور و ثمره آن برای زحمتکشان افزایش فقر و بدبختی بود، قدرت را به دست بگیرد.

مولداوی به دنبال ده سال حاکمیت اقتصاد بازار و سیاست های اقتصادی تحمیل شده، با بدهی های خارجی عظیمی رو به رو است و فقر، رکود اقتصادی و درگیری های ایجاد شده از سوی نیروهای ارتجاعی و طرفدار سرمایه داری عنان گسیخته، بحران کشور را عمیق تر کرده است. اما با اینحال دولت مولداوی با اتخاذ سیاست های خارجی فعال، به ویژه با کشورهای همسایه خود، روسیه و اوکراین، توانسته است شرایط کشور را تثبیت کند.

در رابطه با انتخابات اخیر، کمیسیون همکاری و امنیت در اروپا که نقش نظارت بر روند انتخابات را به عهده داشت اعلام کرد که بررغم برخی کاستی ها، این انتخابات را درست و قانونی می داند.

منظور چاقو کشان ولی فقیه) تهدید کردند. در همین هفته گزارش شد که آیت الله طاهری، در سخنانی در اصفهان ضمن دفاع قاطع از نامه ۱۳۵ نماینده مجلس و حمله به شورای امنیت ملی برای جلوگیری از انتشار این نامه در سطح جامعه اعلام کرد که: «اقعاً خجالت آور است که در کشوری عده ای کمتر از ۱۵ نفر در برخی نهادها، عنان یک مجلس را بدست بگیرند و نظرشان را بر نظر اکثریت یک مجلس، غالب کنند و با برخورد های سلیقه ای نظر خود را در طرح ها و لوایح تصویبی مجلس، غالب گردانند، مسلماً در چنین فضایی هیچ ارزشی برای مجلس باقی نخواهد ماند.»

در کنار تشدید فشارها و پرونده سازی وابستگی به آمریکا برای شماری از نمایندگان مجلس و همچنین تهدید به سرکوب خشن و خونین اصلاح طلبان حکومتی، بحث بر سر اتخاذ تاکتیک ها و سیاست های روشن برای مقابله با تهاجمات روز افزون مرتجعان حاکم در میان نیروهای جبهه دوم خرداد ابعاد تازه یی به خود گرفته است که حکایت از شکل گیری لایه بندی های جدید میان قشر سنتی و نزدیک به جناح ولایت و بخش های غیر سنتی این جبهه است. محسن آرمین «عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب در عکس العمل به رویدادهای اخیر و برخورد و ایرادات شورای نگهبان به لوایح رییس جمهوری، این امر را آشکارا بیانگر این واقعیت دانست که هیچ عزم و اراده یی برای حل مشکل و هیچ گونه نشانی از امکان توافق و تفاهم وجود ندارد. در همین راستا، اکبر عطری، عضو سابق شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت ضمن بیهوده دانستن تلاش ها برای رسیدن به توافق با مرتجعان حاکم از جمله گفت: «استغای نمایندگان تنها راه کار مسالمت آمیز برای اصلاح امور است، نمایندگان باید تکلیف دموکراسی را مشخص کنند، با اینکه این مسئله دیر به انجام می رسد اما راه کار مثبتی است... نمایندگان باید خط مشی خود را از خط مشی جریان انحصار جدا کنند.»

بررسی مواضع گوناگون اتخاذ شده در هفته های اخیر از جمله سخنان کروی، اکبر محتشمی پور و مجید انصاری در مخالفت با سیاست برخورد با حاکمیت و جدا کردن خط و مرزها با دگراندیشان نشان از شکل گیری آشکار تر نیروهای سنتی و معتقد به حفظ «نظام ولایت» و استبداد حاکم با نیروهایی است که با توجه به بن بست شش ساله سیاست «آرامش فعال» و مماشات گری با حاکمان کنونی در پی یافتن راه کارهای دیگری هستند. روزنامه همشهری، دوشنبه ۱۹ خرداد در مقاله یی، به قلم محمد جواد روح، در این زمینه می نویسد: «سنتی های عضو جبهه اصلاحات که حول مجمع روحانیون مبارز گرد آمده اند، در هفته ها و روزهای اخیر آشکارا مرزبندی خود با جبهه مشارکت و همراهان آن را آغاز کرده اند. اظهارات «علی اکبر محتشمی پور» رئیس فراکسیون دوم خرداد مجلس و عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون علیه بیانیه مشترک مجاهدین انقلاب، جبهه مشارکت و ملی - مذهبی ها در مورد مسائل روز و سپس تأکید «مجید انصاری» رئیس فراکسیون روحانیون مبارز مبنی بر ضرورت «مرزبندی دوم خرداد با دگراندیشان» در کنار بیانیه دوم خرداد خاتمی و مخالفت کروی با استغای نمایندگان، همگی نشانگر اعلام جدایی ایدئولوژیک این طیف جبهه دوم خرداد از جریانهای رادیکال تری است که گرچه خود رسماً نگویند اما در عمل، اندیشه ای سکولار و برنامه ای لیبرال را در پیش گرفته اند که به طور طبیعی با سابقه تاریخی و سرنوشت سیاسی جریان هایی چون روحانیون مبارز در تقابل قرار می گیرد.» مقاله نویسنده روزنامه همشهری در جمع بندی نظرات خود و ضمن نصیحت به طرفین دعوا که پنهان کردن این اختلافات حاصلی جز بی اعتمادی مردم ندارد، می افزاید: «دغدغه اصلی طیف های شاخص و مدرن تر اصلاح طلب نظیر جبهه مشارکت، یا نیروهای مستقل طرفدار جمهوریت و دموکراسی، باید باز تولید دوباره امید به اصلاحات و تحول در کشور باشد، نه تکرار چرخش نافرجام شش سال اخیر در دایره بسته ای باشد که مخالفان دموکراسی اشکالات ساختاری آن را طراحی کرده اند.»

حزب توده ایران در هفته های اخیر، در اظهار نظرهای گوناگون ضمن اشاره به حساسیت شرایط منطقه و تحولات میهن ما بر این نظریه تأکید کرده است که در وضعیت فعلی ادامه سیاست های سرکوبگرانه رژیم ولایت فقیه و بی اعتنائی کامل آن به خواست ها و حقوق مردم ما خطری است جدی برای منافع میهن. مقابله با این خطر نه از طریق تسلیم به خواست های ارتجاع، برای حفظ شرایط کنونی، زیر لوای «وفاق ملی» بلکه تشدید مبارزه مشترک نیروهای اصلاح طلب و مردمی برای شکستن بن بست و انسداد کنونی و گشایش راه به سمت ادامه روند اصلاحات است. سخنان خامنه ای و در پی آن یورش چاقو کشان و انصار ارتجاع بار دیگر به روشنی نشان داد که تاریخ اندیشان حاکم غمی جز حفظ پایه های حکومت ضد مردمی و استبدادی خود ندارند و از این رو این وظیفه نیروهای مردمی و اصلاح طلب کشور است که با تشدید مبارزه وسیع و متحد خود با استفاده از تاکتیک های گوناگون ارتجاع حاکم را به عقب نشینی وادار کنند. ادامه سیاست های تسلیم طلبانه گذشته، که توسط بخش هایی از جبهه دوم خرداد توصیه می شود ثمری جز ادامه فاجعه کنونی به همراه نخواهد داشت. آزموده را آزمون خطاست و تکرار آگاهانه خطاهای گذشته و از دست دادن فرصت های تاریخی امری نابخشودنی است.

دروغ پردازی برای فریب مردم!



زن عراقی از تنها آب موجود در ناصریه برای شستن ظروف خود استفاده می کند - عکس از اکسفم

بلکه نیاز به آغاز جنگ و اشغال این منطقه استراتژیک بود. نیازی که سران دولت های آمریکا و انگلستان را وادار کرد تا با توسل به فریب مردم، عراق را به خاک و خون بکشند که در آن تعداد زیادی کشته و زخمی شدند و صدها هزار نفر آواره در کشور خود و یا کشورهای همسایه شدند.

ادعای وجود سلاح کشتار جمعی تنها چیزی بود که می توانست بالاترین پشتیبانی را برای حمله به عراق جلب کند و بنا به گفته پل وافوویتز، معاون پنتاگون و طراح جنگ، "مساله وجود سلاح کشتار جمعی در عراق تنها به دلایل اداری مطرح شده بود، چون تنها چیزی بود که همه کشورها می توانستند آن را بپذیرند." (سایت خبری BBC ۲ ژوئن ۲۰۰۳). و عجیب نیست که چرا پیش از آغاز جنگ، آمریکا دادت مهلت بیشتر به بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل متحد را قبول نکرد و آن ها را از عراق بیرون راند و فشار برای آغاز جنگ را افزایش داد.

محمد البرادعی، رئیس بازرسان هسته ای سازمان ملل، بر خلاف ادعای آمریکا و انگلستان در مورد وجود سلاح هسته ای در عراق، در همان زمان با صراحت اعلام کرده بود که عراق دارای سلاح هسته ای نیست. "هانس بلیکس" رئیس گروه بازرسان سازمان ملل نیز به رغم تقاضا برای ادامه کار بازرسان، در آخرین گزارش خود به شورای امنیت در هفته گذشته، گفته است که بازرسان سازمان ملل در عراق هیچ نشانه ای نیافته اند که نشان دهد رژیم صدام در صدد تولید سلاح کشتار جمعی بوده است و اگر این فرصت به او داده می شد، در آن زمان نیز همین گزارش را ارائه می کرد، اما این حقیقت نمی توانست در آن زمان در اختیار افکار عمومی قرار گیرد.

پنتاگون و در راس آن دونالد رامسفلد، با سلاح کشتار جمعی مشکلی نداشتند، بلکه هدف های دیگری مطرح بودند و به همین خاطر نیز جنگ می بایست به هر قیمت که شده شروع شود. این هدف ها رابطه ای با انهدام امکانات عراق برای تولید سلاح کشتار جمعی نداشت، بلکه برای دست یابی به منابع نفتی عراق، نشان دادن آمادگی آمریکا به اعمال سیاست های خشونت آمیز در روابط دیپلماتیک و تاکید بر تحمیل سیاست های سلطه طلبانه آمریکا و ایجاد نظم نوین جهانی تحت رهبری آمریکا بود. سیاستی که کشورهای دیگر یا باید به آن گردن بگذارند و یا در مقابله با آمریکا قرار خواهند گرفت.

با گذشت چندین هفته از حمله به عراق و اشغال نظامی آن توسط نیروهای نظامی اشغالگر آمریکایی و انگلیسی، و بدون اینکه مدرکی در مورد وجود سلاح کشتار جمعی در این کشور بدست بیاید، دولت های آمریکا و انگلستان متهم به دروغ پردازی و جعل مدارک ارایه شده از سوی سازمان های اطلاعاتی این کشورها در مورد وجود سلاح کشتار جمعی در عراق شده اند.

به دنبال افشای این دروغ پردازی ها، سرانجام سران کشورهای آمریکا و انگلستان اعتراف کرده اند که "عراق ممکن است پیش از آغاز حمله آمریکا، سلاح کشتار جمعی خود را نابود کرده باشد." (رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، ۲۷ ماه مه، سخنرانی در شورای روابط خارجی، نیویورک) نیروهای آمریکایی و انگلیسی پس از قریب چهار ماه تبلیغات وسیع در مورد وجود سلاح کشتار جمعی به بهانه "یافتن" و نابودی این سلاح ها، به عراق حمله کردند.

اما با گذشت چندین هفته، هنوز اثری از آنها یافت نشده است و با افشای ارایه گزارش های جعلی، به ویژه از سوی تونی بلر، نخست وزیر انگلستان، سران هردو کشور برای پاسخگویی تحت فشار قرار گرفته اند. تونی بلر، با ارایه دلایل دروغین و برای جلب آرا مجلس این کشور، در شهریورماه گذشته ادعا کرده بود که صدام حسین دارای سلاح کشتار جمعی است که می تواند در عرض ۴۵ دقیقه آماده شلیک شود. اکنون فاش شده است که "بلر" آگاهانه در مورد وجود سلاح کشتار جمعی دست به فریب مردم و مجلس زده است و حتی برخی گزارش های جعلی به اصرار او در اسناد ارایه شده به مجلس گنجانده شده است. این ادعاهای جعلی تأثیری جدی در نظرات مردم داشت به طوریکه در روزهای پیش از شروع جنگ در آمار گیری که صورت گرفت (فوریه ۲۰۰۳) بیش از ۷۱ درصد مردم انگلستان معتقد بودند که عراق دارای سلاح کشتار جمعی است، در حالیکه این رقم در ماه مه ۲۰۰۳ به ۵۱ درصد تقلیل یافته است.

پنتاگون نیز تحت فشار نمایندگان مجلس این کشور، اعلام کرده است که تلاش خود را برای یافتن سلاح کشتار جمعی افزایش خواهد داد و این بار تحقیقات خود را از رانندگان کامیون ها و نگهبانان و کسان دیگری که ممکن است اطلاعاتی در این مورد داشته باشند، آغاز خواهد کرد. مفهوم تحقیقات جدید این است که سازمان های اطلاعاتی آمریکا و انگلستان هنوز نتوانسته اند اطلاعاتی از مقامات ارشد رژیم عراق، که بازداشت شده اند، به دست آورند. اما واقعیت این است که دلیل حمله نیروهای آمریکایی و انگلیسی به عراق، نه وجود سلاح کشتار جمعی در عراق و نه وجود جنایتکاری بزرگ به نام صدام بود،

«نه» پر طنین زحمتکشان به اجلاس سران «گروه ۸»

اجلاس سالانه سران کشورهای سرمایه داری اصلی جهان امسال در شرایط بحران دیپلماتیک میان اروپا و ایالات متحده در روزهای ۱۰ الی ۱۲ خردادماه در شهر اوپان-فرانسه برگزار شد. روسای جمهوری و نخست وزیران کشورهای ایالات متحده، انگلستان، آلمان، ایتالیا، فرانسه، ژاپن، کانادا و روسیه در این اجلاس شرکت داشتند. طبق قرار مرسوم سالیان اخیر برای تظاهر به اینکه بحث های اجلاس مسایل عمده جهان را مورد بررسی قرار می دهد، رهبران دوازده کشور در حال توسعه و از جمله لولا، رئیس جمهور برزیل، به طور دست چین به مراسم شام و افتتاحیه اجلاس دعوت شده بودند، ولیکن در جریان بحث های اصلی اجلاس شرکت نداشتند. لولا در سخنرانی خود سیاست های «گروه ۸» و صندوق بین المللی پول را که برای کشاورزان زحمتکش کشورهای در حال توسعه میلیاردها دلار تمام می شود، محکوم کرد. تونی بلر، نخست وزیر انگلستان، در ادامه کوشش های دیپلماتیک خود به منظور تخفیف اختلاف بین رهبران اروپا و ایالات متحده و پس از مسافرت به کشورهای کویت، عراق، لهستان و روسیه، به اوپان وارد شد. او به سران کشورهای سرمایه داری پیشنهاد کرد که اختلافات خود را در مورد جنگ با عراق به فراموشی بسپارند و باهم بر سر موضوعاتی نظیر فقر در آفریقا، گسترش «تجارت آزاد» در جهان همکاری کنند. او گفت: «مهمترین مساله امروز به ویژه پس از اختلافات بر سر عراق اینست که جامعه بین المللی دوباره متحد شده و بیانیه مستحکمی بدهد.» گزارش های منتشره از اجلاس بر این دلالت دارند که اختلاف بین ایالات متحده و اروپا در اصلی ترین محور های خود هنوز هم حاد می باشند. طبق معمول رهبران کشورهای سرمایه داری قبل از گردهمایی و شروع بحث ها مدعی همه گونه اهداف اجتماعی از قبیل کمک به کشورهای فقیر، مبارزه با گسترش بیماری ایدز و تسهیل دسترسی به دارو های پیشرفته برای کشورهای فقیر شدند. گویا مساله فقر فزاینده کشورهای در حال توسعه هیچ ارتباطی با سیاست های تحمیلی آن ها و سازمان های بین المللی تحت کنترل آن ها ندارد. حقیقت اینست که از ۵۰۰ تا بزرگترین انحصارات فراملیتی جهان مقر اصلی ۴۰۰ تای آن در کشورهای «گروه ۸» قرار دارد.

دولت فرانسه برای جلوگیری از تحت الشعاع قرار گرفتن اجلاس سران سرمایه داری توسط فعالین جنبش ضد جنگ و جهانی شدن از چندین روز قبل از شروع اجلاس عملاً هر گونه امکان مسافرت به اوپان را غیرممکن کرده بود. ترتیبات امنیتی در اطراف محل مقر اجلاس بی سابقه و نفس گیر بود. ۲۵/۰۰۰ نیروی ارتشی و پلیس مجهز به مدرن ترین تسلیحات و امکانات

ارتباطاتی برای اجلاس ۸ نفر بسیج شده و در آمادگی کامل بودند. مخالفان جنگ و جهانی شدن در ساحل دریاچه ژنو در مقابل ساختمان های مرکزی «سازمان تجارت جهانی» و «سازمان جهانی امور مهاجرت» تظاهرات کردند. در تظاهرات روز ۹ خرداد در ژنو چندین هزار تظاهر کننده جوان با شعار هایی برضد تجاوز نظامی آمریکا و انگلیس به عراق، در رد کاپیتالیسم، و مخالفت با بازار آزاد و کنترل مهاجرت تظاهرات اعتراضی برپا کردند. این تظاهرات بخشی از ابتکارات اعتراضی چهار روزه برضد اجلاس سالانه سران کشورهای سرمایه داری اصلی جهان بود. در تظاهرات روز ۱۱ خرداد ماه بیش از ۲۵/۰۰۰ نفر در شهر لوزان سوئیس تظاهرات کردند. هر سه پل ژنو برای ۵ الی ۶ ساعت بسته شد. مخالفان جنگ و جهانی شدن هم چنین تظاهرات پر سر و صدایی را در شهر آناسه در سمت فرانسوی مرزبر گزار کردند. پلیس فرانسه با گاز اشک آور به تظاهر کنندگان حمله کرد. مخالفان اجلاس سران گروه ۸ با سازماندهی «گردهمایی برای جهانی دیگر» که مشکلات ناشی از عملکرد کشورهای سرمایه داری بزرگ و اثرات ناشی از «جهانی شدن» سرمایه داری را مورد بحث قرار داد، عملاً مشروعیت کلوپ اختصاصی سران سرمایه داری و قصد آن به تصمیم گیری در مورد آینده سیاره را زیر علامت سؤال برد. در بیانیه نهایی اجلاس سران «گروه ۸» ضمن اظهار امیدواری به بهبود اقتصادی و غلبه بر بحران حاضر «نیاز به اصلاحات اقتصادی»، «انعطاف بیشتر» در اقتصاد کشورهای ثروتمند یعنی سپردن بازهم بیشتر صنایع ملی به بخش خصوصی و ادامه شبیخون به حقوق دموکراتیک زحمتکشان مورد تاکید قرار گرفته است. بیانیه اشارات کلی و تبلیغاتی در رابطه با ضرورت «تجارت عادلانه برای کشورهای فقیر» و یا اقدام در رابطه با مجاز نمودن «دسترسی ارزان قیمت کشورهای فقیر به مواد دارویی پیشرفته و جدید ضرور برای مبارزه با اپیدمی های عمده» که در کشورهای سرمایه داری ثبت شده اند، داشت. بیانیه همچنین تعهد کشورهای سرمایه داری را به ادامه «جنگ برضد تروریسم» و «اشاعه سلاح های انهدام جمعی» متذکر شده و به برنامه های هسته ای کره شمالی و ایران به مثابه نکات نگران کننده اشاره دارد.

نمایندگان جنبش های اعتراضی و کارزار دفاع از حقوق مردم کشورهای عقب نگهداشته شده عدم رضایت خود را از نتایج بسیار ضعیف گردهمایی «گروه ۸» در اوپان اعلام کردند. فیل توینفورد، مسئول کارزار معتبر «آکسفام» (OXFAM) در رابطه با بیانیه که آن را «کاملاً توخالی» خواند گفت: «نه تنها هیچ تعهد قوی بی وجود ندارد، بلکه حتی آن ها هم آبیکی شده است.» «میلیون ها کشاورز در آفریقا به خاطر اینکه نمی توانند در بازار های داخلی و یا بین المللی با محصولات کشاورزی وسیعاً سوبسید شده از اروپا و آمریکا رقابت کنند، خانه خراب می شوند... اما پیشنهاد قطع سوبسید برای محصولات صادراتی حتی در بیانیه گروه ۸ مورد اشاره هم قرار نگرفت.» مخالفان اجلاس بدرستی اشاره کردند که در بیانیه هیچ اشاره بی به مخالفت انحصارات عظیم داروسازی ایالات متحده که مانع هرگونه توافقی در مورد دسترسی کشورهای فقیر به داروهای پیشرفته هستند، نشده است. سازمان «پزشکان بدون مرز» بیانیه را «عقبگردی فاجعه آمیز» خواند و متذکر شد که این بیانیه «به جای کوششی صادقانه برای بهبود دسترسی به داروهای که برای نجات جان میلیون ها نفر مورد نیاز است، کوششی است برای حفظ منافع کمپانی های دارویی غربی.»

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر ونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 662
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

10 June 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse